

نویسنده: مومیر باباسیک (Mojmir Babacek).
منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ «2026-08-20».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

اثرات مایکروویوهای پالسی (امواج کوچک نبضی)
و امواج الکترومغناطیسی با فرکانس بسیار پایین
بر مغز انسان؟ دولت‌ها به طور معمول اطلاعات
مربوط به دستکاری سیستم عصبی انسان را
«طبقه‌بندی» می‌کنند

*The Effects of Pulsed Microwaves and Extra Low Frequency
Electromagnetic Waves on Human Brains? Governments
Routinely “Classify Information” Pertaining to the
Manipulation of the Human Nervous System*



در سال ۱۹۶۲، دانشمند آمریکایی، **آلن اچ. فری**، آزمایش‌هایی با مایکروویوهای پالسی انجام داد که صداهای کلیک، وزوز، هیس یا ضربه زدن را در سر افراد در فاصله تا چند هزار یارد ایجاد می‌کرد. او در گزارش خود همچنین نوشت که با تغییر پارامترها می‌تواند

احساس سوزن سوزن شدن یا درک ضربات شدید در سراپا داند و ادعا کرد که این انرژی « احتمالاً می تواند به عنوان ابزاری برای بررسی کد گذاری سیستم عصبی... و تحریک سیستم عصبی بدون آسیب ناشی از الکترودها مورد استفاده قرار گیرد» (به این مراجعه کنید).

به عبارت دیگر، آلن فری در مسیر یافتن راهی برای دستکاری سیستم عصبی انسان از راه دور بود. این موضوع به سرعت توسط دولت ایالات متحده درک شد. برای دو دهه بعد، **فری**، که توسط دفتر تحقیقات نیروی دریایی و ارتش ایالات متحده تأمین مالی می شد، فعال ترین محقق در مورد اثرات زیستی تشعشعات مایکروویو در کشور بود. فری با قرار دادن موش ها در معرض تشعشعاتی با سطح قدرت متوسط تنها (۵۰ میکرووات) بر سانتی متر مربع، باعث مطیع شدن آنها شد. اورفتارهای خاص موش ها را با ۸ میکرووات بر سانتی متر مربع تغییر داد. اوضربان قلب قورباغه های زنده را با (۳ میکرووات) بر سانتی متر مربع تغییر داد. او با تنها (۰/۶ میکرووات) بر سانتی متر مربع، با زمان بندی پالس های «نبضان ها» مایکروویو در یک نقطه دقیق در طول ریتم قلب، باعث شد قلب قورباغه های ایزوله «تجربیده» از تپش بایستد (به این و این مراجعه کنید).

در سال ۱۹۷۵، آلن فری تحقیقات خود را در مورد سد خونی-مغزی در سالنامه آکادمی علوم نیویورک منتشر کرد، که در آن سد (مانع) خونی-مغزی (محافظ مغز در برابر ورود سم به همراه خون) موش ها، که با فرکانس رادیویی پالسی روشن شده بود، اجازه نفوذ رنگ به مغز آنها را می داد.

یافته های او توسط ۱۳ آزمایشگاه مختلف در (۶) کشور و با استفاده از حیوانات مختلف تأیید شد. یافته های او توسط «۱۳» آزمایشگاه مختلف در (۶) کشور و با استفاده از حیوانات مختلف تأیید شد. در سال (۲۰۱۲)، **آلن اچ. فری** مقاله ای نوشت که در آن توضیح داد چگونه نیروی هوایی بروکس آمریکا با انتخاب پیمانکاری که رنگ را به جای خون به روده ها تزریق می کرد، آزمایش او را تحریف کرد و به این ترتیب مطمئن شد که رنگ در مغز ظاهر نمی شود. قرار بود این کار به نیروی هوایی ایالات متحده کمک کند تا تأیید افرادی را برای ساخت رادار در مجاورت خود به دست آورد. به گفته **فری**، همان پایگاه نیروی هوایی بروکس بعداً سعی کرد «تحقیقات طبقه بندی نشده در حوزه مایکروویو را بی اعتبار کند» تا «یک برنامه طبقه بندی شده سلاح های مایکروویو-بیولوژیکی» را پوشش دهد.

آلن فری نتیجه گرفت: «بودجه برای تحقیقات مایکروویو-بیولوژیکی آشکار در ایالات متحده اساساً تعطیل شد.» به همین دلیل، عموم مردم (در کل جهان) تاکنون چیزی در مورد امکان کنترل فعالیت مغز خود از راه دور با استفاده از اثرات مایکروویوهای پالسی بر سیستم عصبی خود نمی دانند. در مارس (۲۰۲۱)، دانشمند آمریکایی جیمز سی. لین مقاله ای در مورد سندرم هاوانا نوشت و در آن نوشت که این مشکل ایجاد شده برای

دبلمت‌ها و مأموران دولتی آمریکایی در کوبا و جاهای دیگر، به احتمال زیاد توسط مایکروویوهای پالسی تولید شده است (به این مراجعه کنید).

در ۵ دسامبر ۲۰۲۰، آکادمی علوم ایالات متحده مطالعه‌ای در مورد سندرم هاوانا منتشر کرد که در آن آمده بود:

"به طور کلی، به نظر می‌رسد انرژی RF (فرکانس رادیویی) پالسی هدایت‌شده، به ویژه در افرادی که تظاهرات اولیه مشخصی دارند، محتمل‌ترین مکانیسم در توضیح این موارد در میان مواردی است که کمیته بررسی کرده است."

اما در ۲ مارس ۲۰۲۳، تلویزیون آمریکایی CNN مقاله‌ای در مورد گزارش ۷ آژانس اطلاعاتی ایالات متحده منتشر کرد. در این مقاله آمده است که "هیچ مدرک معتبری وجود ندارد که یک دشمن خارجی سلاح یا دستگاه جمع‌آوری داشته باشد که قادر به ایجاد حوادث مرموز باشد" (سندرم هاوانا). به این ترتیب، سازمان‌های اطلاعاتی ایالات متحده تلاش کردند اعتبار گزارش علمی آکادمی علوم ایالات متحده را انکار کنند و این واقعیت را که می‌توان از مایکروویوهای پالسی برای حمله به ذهن آنها استفاده کرد، از عموم مردم جهان پنهان کنند.

آزمایش‌های علمی زیادی وجود دارد که ثابت می‌کند فرکانس‌های بسیار پایین تابش الکترومغناطیسی می‌تواند اثراتی بر سیستم عصبی انسان داشته باشد. وجه مشترک مایکروویوها و امواج الکترومغناطیسی بسیار بلند این است که هر دو میدان‌های الکتریکی و مغناطیسی را حمل می‌کنند. نوره‌ها پر از یون هستند و این الکترولیت می‌تواند به راحتی به عنوان یک آنتن عمل کند که در آن امواج الکترومغناطیسی جریان‌های الکتریکی تولید می‌کنند که بخش‌های اساسی تکانه‌های عصبی در مغز هستند.

در کنفرانس بین‌المللی الکتروودینامیک غیرخطی در سیستم‌های بیولوژیکی در سال ۱۹۸۳، که از جمله توسط دفتر تحقیقات علمی نیروی هوایی ایالات متحده و دفتر تحقیقات دریایی برگزار شد، فریدمن کایزر از موسسه فیزیک نظری دانشگاه اشتوتگارت در مورد اثرات فرکانس‌های بسیار پایین امواج الکترومغناطیسی بر سیستم عصبی انسان یا «حساسیت بسیار بالای بین امواج الکترومغناطیسی به سیگنال‌های الکترومغناطیسی بسیار ضعیف» سخنرانی کرد. او اظهار داشت: «در مدل امواج مغزی... محرک خارجی فقط می‌تواند به عنوان محرکی برای شروع یک سیگنال پاسخ داخلی عمل کند... سیستم از محرک خارجی پیروی می‌کند، با فرکانس خارجی نوسان می‌کند... محرک خارجی آهسته منجر به افزایش مدولاسیون دامنه با فرکانس خارجی می‌شود.»

او این پدیده را «همزیستی» نامید و اظهار داشت که «تحریک‌های انواع پیشنهادی می‌توانند منجر به تغییراتی در رفتار و عملکرد سیستم‌های زیستی شوند» (صفحه ۳۹۴). هیچ توضیحی بهتر از این برای سخنرانی فریدمن کایزر وجود ندارد که فرکانس‌های

الکترومغناطیسی ELF جریان های الکتریکی را در الکترولیت داخل بافت عصبی تولید می کنند. در سخنرانی اختتامیه آن کنفرانس، ساموئل کوزلوف، یکی از شخصیت های برجسته پروژه کنترل ذهن با ندورا نیروی دریایی آمریکا، اعلام کرد:

«اگر بخش زیادی از آنچه شنیده ایم واقعاً درست باشد، ممکن است برای ملت از چشم اندازهایی که جامعه فیزیک در سال ۱۹۳۹ با آن مواجه بود، زمانی که شکافت پذیری هسته که مدت ها پیش بینی می شد، واقعاً نشان داده شد، اهمیت کمتری نداشته باشد. شاید نامه معروف آلبرت انیشتین به رئیس جمهور روزولت را به یاد بیاورید. وقتی در موقعیتی هستیم که از نظر اثبات هایمان بتوانیم این کار را انجام دهیم، پیشنهاد می کنم که نامه مشابهی لازم باشد» (صفحه ۵۹۶). در سال ۱۹۸۰، جان بی. الکساندر، مدیر سابق آزمایشگاه ملی لوس آلاموس ایالات متحده، در مقاله خود در مجله Military Review در مورد کنترل از راه دور فعالیت مغز انسان، نوشت:

«هر کسی که اولین پیشرفت بزرگ را در این زمینه انجام دهد، برتری کوانتومی نسبت به حریف خود خواهد داشت، مزیتی مشابه در اختیار داشتن انحصاری سلاح های هسته ای.»

در سال ۲۰۱۴، دانشمندان چینی نتایج آزمایشی را منتشر کردند که در آن به دنبال رسانایی میکروویو محلول های الکترولیت بودند. آنها در مقدمه تأکید کردند که آزمایش آنها «نقش مهمی در بررسی برهمکنش بین امواج الکترومغناطیسی و بافت های بیولوژیکی که محتوای آب بالایی دارند و غلظت قابل توجهی از یون ها دارند، ایفا می کند.» برای آزمایش خود از محلول نمک استفاده کردند. فرمول شیمیایی نمک NaCl است. این بدان معناست که حاوی اتم های سدیم و کلرید است. یون های هر دوی این اتم ها نقش مهمی در شلیک سلول های عصبی دارند. این آزمایش ثابت کرد که این الکترولیت برای میکروویو هایی تا فرکانس 20 گیگاهرتز رسانا است (به این مراجعه کنید). بسیار منطقی است که انتظار داشته باشیم اگر این میکروویوها در فرکانس های فرکانس های فعالیت نوروها در مغز پالس شوند، با آن فرکانس ها «به نوسان» در آیند.

سازمان MCS America که با آلودگی مبارزه می کند، این نتیجه گیری را در مطالعه خود در مورد حساسیت به میدان های الکترومغناطیسی تأیید می کند. این مطالعه بیان می کند:

«بدن می تواند سیگنال را جمع آوری کرده و آن را درست مانند آنتن یک رادیو یا تلفن همراه به جریان های الکتریکی تبدیل کند. این جریان ها توسط یون ها حمل می شوند... که از طریق بافت های زنده و در رگ های خونی (سیستمی از لوله های پر از مایع نمکی رسانای الکتریکی که تقریباً هر قسمت از بدن را به هم متصل می کند) جریان می یابند. وقتی این جریان ها به غشاهای سلولی که معمولاً دارای بار الکتریکی هستند برخورد

می‌کنند، سعی می‌کنند همزمان با جریان ارتعاش کنند» (توجه داشته باشید که یک نورون نیز یک سلول است). صحت این «حدس و گمان‌ها» یا «نظریه‌های توطئه» توسط آزمایشی تأیید می‌شود که در آن ۲۰ داوطلب در معرض پالس‌های ۲۱۷ هرتز مورد استفاده در تلفن همراه قرار گرفتند و در ثبت الکتروانسفالوگرام‌های آنها، پتانسیل‌های برانگیخته (یا به عبارت ساده‌تر جریان‌های الکتریکی گفته شده در فرکانس) ۲۱۷ هرتز یافت شد (به این مراجعه کنید) یا آزمایش دیگری که در آن امواج مایکروویو تلفن همراه با پالس‌های ۱۱ تا ۱۵ هرتز، تغییراتی در EEG در طول خواب ۳۰ داوطلب ایجاد کرد (به این مراجعه کنید). همچنین دانشمندان استرالیایی دریافتند که:

سیگنال‌های تلفن همراه نه تنها می‌توانستند رفتار فرد را در طول تماس تغییر دهند، بلکه اثرات الگوهای مختل شده امواج مغزی مدت‌ها پس از خاموش شدن تلفن ادامه داشت (به این مراجعه کنید).

برای تکمیل این اطلاعات، لازم است بگوییم که سیستم عصبی به صورت دیجیتالی عمل می‌کند و اعمال عصبی از نظر فرکانس و تعداد تکانه‌های عصبی که در آنها تعداد زیادی از نورون‌ها عملکرد خود را هماهنگ می‌کنند، متفاوت هستند. به این ترتیب، فعالیت مغز انسان، از جمله افکار، می‌تواند به طور کامل کنترل شود. رابرت بکر، که دو بار به خاطر تحقیقاتش در مورد پتانسیل‌های الکتریکی در موجودات زنده نامزد جایزه نوبل شده است، در سال ۱۹۸۵ کتابی با عنوان «الکترونیک بدن» منتشر کرد که در آن به آزمایش اشاره کرد که به طور داوطلبانه بر اساس قانون آزادی اطلاعات منتشر شد. نویسنده آزمایش، جی. اف. شاپیتز، اظهار داشت:

«در این تحقیق نشان داده خواهد شد که کلام هیپنوتیزم‌کننده می‌تواند توسط انرژی الکترومغناطیسی مدوله شده مستقیماً به بخش‌های ناخودآگاه مغز انسان منتقل شود - یعنی بدون استفاده از هیچ وسیله فنی برای دریافت یا تبدیل کد پیام‌ها و بدون اینکه فرد در معرض چنین تأثیری فرصتی برای کنترل آگاهانه ورودی اطلاعات داشته باشد.»

در یکی از چهار آزمایش، باید به افراد آزمونی با صد سوال داده می‌شد که از سوالات آسان تا سوالات فنی متغیر بود. بعداً، بدون اینکه بدانند تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، در معرض پرتوهای اطلاعاتی قرار می‌گرفتند که پاسخ سوالاتی را که خالی گذاشته بودند، به آنها پیشنهاد می‌داد، برخی از پاسخ‌های صحیح آنها را فراموش می‌کردند و پاسخ‌های صحیح آنها را در حافظه تحریف می‌کردند. پس از ۲ هفته، آنها مجبور بودند دوباره در آزمون قبول شوند. نتایج آن آزمایش‌ها هرگز منتشر نشد. اما ظاهراً در همان زمان، سرویس‌های مخفی روی فناوری‌هایی کار می‌کردند که چگونه با استفاده از مایکروویوهای پالسی، افکار را به انسان‌ها تحمیل کنند تا گفتار انسان را در فرکانس‌های فراصوت به مغز انسان منتقل کنند، که مغز آن را درک می‌کند، اما انسان متوجه این موضوع نمی‌شود زیرا گفتار را نمی‌شنود.

برای دولت‌ها، پالس کردن سیگنال‌های تلفن همراه در فرکانس‌های مغز و از این طریق دستکاری افکار شهروندان خود یا خارجی دشوار نیست. تفاوت بین مایکروویوهای پالسی و امواج الکترومغناطیسی بسیار بلند این است که مایکروویوهای پالسی را می‌توان روی یک نفر (یا کل ملت را در صورت پالس شدن سیگنال‌های تلفن همراه در فرکانس‌های مغز) هدف قرار داد، در حالی که امواج الکترومغناطیسی بسیار بلند، که در فرکانس‌های مغز منتقل می‌شوند، با طولی تا ... سیصد هزار کیلومتر در مناطق وسیع به مغزها خواهد رسید. مطمئناً تاکنون قوانین در سراسر جهان (به جز شیلی و برزیل) چنین اقداماتی را برای دولت‌ها یا هر کس دیگری در مورد مغز انسان ممنوع نکرده است (به عنوان مثال، ایلان ماسک در حال ساخت سیستمی از 20000 ماهواره در سراسر سیاره است و همزمان روی تحقیقات نورالینک کار می‌کند).

متخصصان فناوری عصبی در سراسر جهان، که جرات افشای اطلاعات امنیت ملی را که باید قبل از شروع تحقیقات در این زمینه امضا می‌کردند، ندارند، خواستار ایجاد قوانینی هستند که از مردم در برابر چنین دستکاری‌هایی در ذهنشان محافظت کند (به این مراجعه کنید).

پیشنهاد چنین قانونی که به اتحادیه اروپا ارائه شده و توسط 11 سازمان جهانی امضا شده است را می‌توانید در آدرس (به این مراجعه کنید) بیابید.

سطری چند درمورد نویسنده این مقاله :

* مویمیر باباچک در سال 1947 در پراگ، جمهوری چک متولد شد. در سال 1972 از دانشگاه چارلز در پراگ در رشته فلسفه و اقتصاد سیاسی فارغ‌التحصیل شد. در سال 1978 سند دفاع از حقوق بشر در چکسلواکی کمونیستی "منشور 77" را امضا کرد. از سال 1981 تا 1988 در مهاجرت در ایالات متحده آمریکا زندگی کرد. از سال 1996 مقالاتی در موضوعات مختلف، عمدتاً در رسانه‌های جایگزین چک و بین‌المللی منتشر کرده است. در سال 2010، او کتابی در مورد حملات 11 سپتامبر به زبان چک منتشر کرد. از دهه 1990، او در تلاش بوده است تا به دستیابی به ممنوعیت بین‌المللی کنترل از راه دور فعالیت سیستم عصبی انسان و ذهن انسان با استفاده از فناوری عصبی کمک کند. تصویر برجسته از کتاب دفاع از سلامت کودکان است.

----- **با تقدیم احترامات «2026-08-23»** -----

